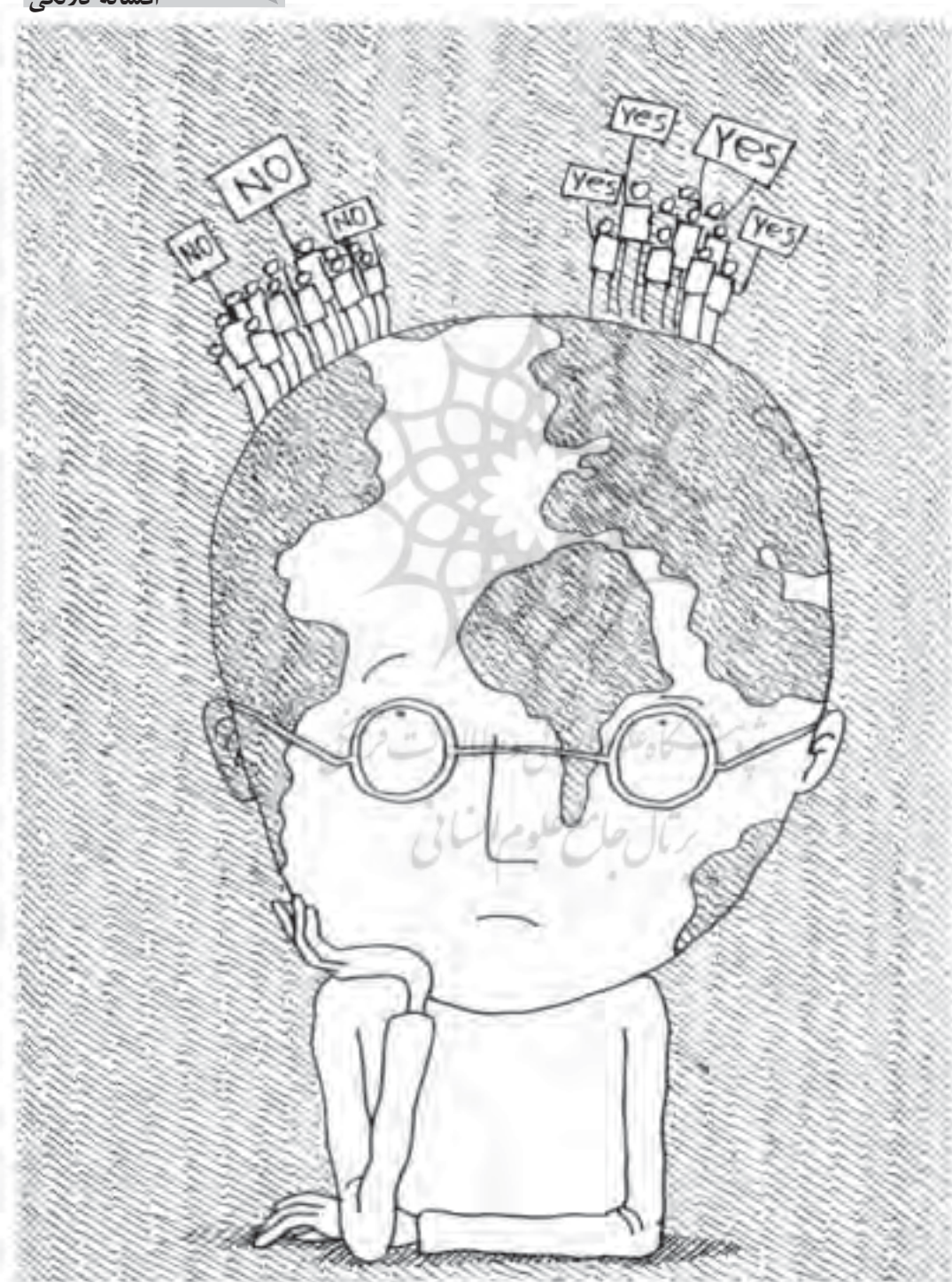


# جهانی سازی، آثار و پیامدهای آن در جهان

افسانه کلانکی



## اشاره:

بعد از جنگ جهانی دوم با رشد تجارت جهانی، افزایش تحرک سرمایه در سطح بین‌المللی، مهاجرت نیروی کار و کاهش موانع تجاری بر اساس قراردادهای بین‌المللی مناسبات و روابط بین کشورها دگرگون شد.

در فرایند این روابط و مناسبات، کشورهای توسعه یافته از برتری فن‌آوری از نفوذ خود در سازمان‌های مالی بین‌المللی و به مدد شرکت‌های عظیم فراملیتی سود جسته و شیوه تولید، مناسبات تولیدی، چگونگی بهره‌برداری از امکانات و منابع در کشورهای جهان سوم را به سود خود سازماندهی و جریان امور را به بستر منافع و موانع خود هدایت کردند.

اکنون چنین فرآیندی شروع شده است و از علایم آن رشد بیشتر تجارت جهانی نسبت به تولید جهانی و رشد شرکت‌های چند ملیتی و رشد سریع سرمایه‌گذاری‌های مستقیم، و مالی خارجی است که به واسطه انقلاب تکنولوژیکی و نیز فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق در یک دهه اخیر سرعت گرفته است و به دلیل وابسته شدن بازارها به همدیگر سبب آسیب‌پذیری کشورها از بسیاری جهات و تأثیرپذیری آنها از وقایع و تحولات بازارهای مالی جهانی شده است، بدون آن که قادر به حفظ منافع خود و مقابله با آنها باشند. همچنین رشد فن‌آوری‌ها و پیشرفت‌های بیوتکنولوژیک، الکترونیک و مخابرات از اهمیت کارآرزان و منابع و مواد اولیه در شکل‌دهی مزیت نسبی کاسته و زمینه را برای حرکت کشورها در مسیر اقتصاد جهانی و پیوستن به آن فراهم کرده است.

در هر حال فرآیند جهانی شدن که به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران در بعد اقتصاد و بازار سرمایه به صورت گسترش نظام بازار رخ داده، نظم جدیدی را به وجود آورده که پذیرش آن در کشورهای صنعتی و نیمه صنعتی به رشد و پیشرفت اقتصادی و در برخی از کشورهای دیگر به عدم تعادل در نظام اجتماعی و بی‌نظمی و آشوب منتهی شده است.

## مفهوم جهانی سازی - جهانی شدن

دو اصطلاح «جهانی سازی» و «جهانی شدن» ممکن است مترادف هم به کار روند، اما این دو اصطلاح به لحاظ بار معنایی و واقعیت کاربردی و ابزاری که منعکس می‌کنند، با هم تفاوت دارند. جهانی شدن، القای نوعی اراده و اختیار مورد نظر است و می‌خواهد این پیام را به خواننده منتقل کند که جهانی شدن واقعیتی است ملموس

و ضرورتی است گریزناپذیر که هر جامعه اگر خواهان رفاه شهروندانش باشد، چاره‌ای ندارد جز این که خود را با این جریان نیرومند، ضروری و مفید به حال کشورها و به حال جامعه بشری، سازگار کند و با طیب خاطر و اراده آزاد به مقتضیات آن گردن نهد.

اما در واژه جهانی سازی، سعی بر این است که به واقعیت دیگری اشاره شود و آن این که جهانی سازی طرحی است که از سوی کشورهای ثروتمند و قدرتمند دنیا و در رأس آنها آمریکا، تدوین شده و هدف از آن، ادامه سیطره اقتصادی، سیاسی و نظامی بر دیگر کشورهای جهان است. آمریکا از مدت‌ها قبل از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سودای رهبری دنیا و دستیابی بیشتر به منابع کشورهای دیگر به ویژه کشورهای جهان سوم را در سر داشته است. استراتژی نظم نوینی جهانی آمریکا نیز بر همین پایه بنیان نهاده شده بود.

در هر حال با وجود رونق بسیار مباحث جهانی شدن یا جهانی سازی و ابعاد گوناگون و فرآیندهای متنوع آن، هنوز بر سر این ابعاد و فرآیندها چه از لحاظ تعریف و چه از نظر عوامل تأثیرگذار پیامدهای آن، توافقی حاصل نشده است. از جهانی سازی تعاریف بسیاری ارائه شده است. برخی از صاحب‌نظران، جهانی سازی را چنین تعریف کرده‌اند: فرآیندی که در آن، عرصه‌های گوناگون زندگی، برد و گستره جهانی پیدا می‌کنند. در این فرآیند، اقتصاد جهانی، نیروهای سیاسی و فرهنگی به سرعت کره زمین را زیر نفوذ خود قرار می‌دهند و به ایجاد یک بازار تازه جهانی در سازمان‌های سیاسی فراملی و فرهنگ جهانی تازه دست می‌زنند.

از دیدگاه این دسته از صاحب‌نظران، گسترش بازار جهانی سرمایه‌داری، زوال دولت ملی، گردش پرشتاب و بی‌امان کالا، سرمایه، اطلاعات، و قالب‌های فرهنگی، مولفه‌هایی هستند که چشم‌انداز جهانی شدن یا جهانی سازی را پیش روی بشر قرار داده است.

از دیدگاه «مک‌گرو» و «مارتین البرو»، جهانی شدن فرآیند یکپارچگی مردم جهان در یک جامعه واحد است، به نحوی که حوادث و اتفاقات در نواحی دور دست سبب شکل‌گیری رخدادهای محلی می‌شوند. جهانی شدن سبب گسترش پیوندها و ارتباطات متقابل فراتر از دولت‌ها می‌شود و از اهمیت مرزها و فاصله جغرافیایی می‌کاهد.

عده‌ای دیگر فرآیند جهانی سازی را با جهانی گرایی یکسان نمی‌دانند و معتقدند که در مباحث کنونی، جهانی گرایی به معنای بسط و گسترش و انتقال تمدن و فرهنگ آمریکا به سایر کشورهای جهان

بند‌های جغرافیایی، فرهنگی، مذهبی و ... که بر روابط انسانی سایه افکنده است، از بین می‌روند. به این ترتیب می‌توان جهانی شدن را به فرآیندهایی تعریف کرد که براساس آن، همه مردم جهان در جامعه‌ای واحد و فراگیر به هم می‌پیوندند و این مفهوم در نمایی عام عبارت است از: در هم ادغام شدن بازارهای جهانی در زمینه‌های تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم و جابه‌جایی و انتقال سرمایه، نیروی کار و فرهنگ در چارچوب آزادی بازار و شکافته شدن مرزهای ملی، رقابت بی‌قید و شرط در سطح جهانی، به ویژه در سطح قدرت‌های بزرگ، گسترش نوآوری‌های تکنولوژیک، رشد روز افزون تجدد و نوگرایی، جهانی شدن تولید و مبادله و در این راستا گذر از اقتصاد ملی به اقتصاد جهانی، حرکت از جامعه صنعتی به جامعه اطلاعاتی، تمرکز زدایی، توسعه فضای رقابتی مبتنی بر اتلاف و ادغام، یکپارگی بازارهای مالی جهانی و گسترده شدن مبادلات تجاری، مقررات زدایی و برداشته شدن ضوابط حمایت‌گرایانه بازرگانی داخلی و ملی.

کوتاه سخن آن که بسیاری از صاحب‌نظران، ویژگی‌های عصر جهانی شدن را در مفاهیمی همچون ظهور دهکده الکترونیکی، انقلاب اطلاعاتی، فشرده‌گی زمان و مکان، گسترش جهانی آگاهی، پایان جغرافیا و عصر سیبرنیتیک خلاصه کرده‌اند، دوره‌ای که روابط فراملی جایگزین روابط بین‌المللی می‌شود.

### برداشت‌های مختلف از جهانی شدن

صاحب‌نظران سه نوع جهانی شدن را مدنظر قرار داده‌اند:

۱- جهان‌گرایی راستین و کامل که هم مادی است و هم معنوی و علاوه بر توسعه اقتصادی، تعادل سیاسی و اجتماعی و تعالی فرهنگی و انسانی را در بر دارد.

۲- جهان‌گرایی ناقص و نارسا که صرفاً اقتصادی و تک‌ساختی است.

۳- جهان‌گرایی کاذب و سلطه‌جویانه و تنازعی که همان جهانی سازی آمریکایی با ماهیتی سیاسی و سلطه‌جویانه و انحصار طلبانه است که با لحاظ آمریکا در رأس قدرت، یک تازانه به دنبال افزایش

است، در صورتی که جهانی سازی یعنی به استقبال جهان رفتن، آشنا شدن با فرهنگ‌های دیگر و احترام گذاشتن به آرا و نظریه‌های دیگران است نه نفی دیگران و نفوذ در فرهنگ آنها و برخورد ایدئولوژیک. در جایی دیگر، برخی از صاحب‌نظران، جهانی شدن را در ارتباط با اقتصاد آمریکا معنی می‌کنند.

عده‌ای در تعریفی بسیط، جهانی شدن را با چرخش آزاد سرمایه، نیروی کار و اطلاعات تعریف کرده‌اند، یا آن را برای توصیف روندی به کار می‌برند که در آن اقتصاد جهانی، نیروهای سیاسی و فرهنگی به سرعت کره زمین را زیر نفوذ خود قرار می‌دهند و به خلق یک بازار تازه جهانی، سازمان‌های سیاسی فراملی و فرهنگ جهانی تازه دست می‌زنند. به نظر اینها، دور نمایی جهانی شدن، گسترش بازار جهانی سرمایه، گردش پر شتاب کالاها و انسان‌ها، اطلاعات و قالب‌های فرهنگی است و از منظری دیگر به معنای شکوفایی جوامع مدنی، عامل کاهش موانع در راه تجارت آزاد و تعمیق وابستگی متقابل است که به یکسان‌سازی و یا مشابه کردن کشورها و فرهنگ‌های جهان می‌انجامد.

می‌توان جهانی شدن را بر حسب تعاریف موجود، شکل‌گیری شبکه‌ای دانست که در چارچوب آن اجتماعاتی که پیش از آن در کره خاکی دور افتاده منزوی بودند، بر پایه وابستگی متقابل و وحدت جهانی ادغام می‌شوند و ارتباط آنها با یکدیگر - چه در سطح فردی و چه در سطح اجتماعی - بسیار نزدیک و حتی چهره به چهره می‌شود و هویت انسان‌ها از سیطره یک جامعه و یک ساختار اجتماعی ثابت، خارج شده و از یک هویت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در عرصه بین‌المللی متأثر می‌شود.

در این راستا با توسعه ماهواره‌ها، گسترش نظام‌های ارتباطی و الکترونیکی و افزایش رسانه‌ها و کاربرد اینترنت و افزایش کانال‌های تلویزیونی و نفوذ فرامرزی آنها، مرزهای ملی از بین رفته و با کم‌رنگ می‌شود و کشورها نقش گذشته خود را از دست می‌دهند و به جای قوانین داخلی، قوانین بین‌المللی حاکم می‌شود. طی این فرآیند، قید و

جهانی سازی طرحی است که از سوی کشورهای ثروتمند و قدرتمند دنیا و در رأس آنها آمریکا، تدوین شده و هدف از آن، ادامه سیطره اقتصادی، سیاسی و نظامی بر دیگر کشورهای جهان است





**از دیدگاه مثبت نگر، جهانی سازی می تواند با استفاده از عرصه فن آوری اطلاعات (IT) همانند پلی، تمام دنیا و شهروندان آن را متحد کند و محرومیت های علمی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را از بین ببرد یا کاهش دهد**

۱. گسترش صنعت یا تولید کالا و پیوستگی و همزمانی فرآیند آن

در سراسر جهان:

کشورهای صنعتی در عوض محدود شدن به تولید مواد خام برای صنایع پیشرفته خود، این گونه مواد را از کشورهای جهان سوم خریداری و با آخرین فن آوری های خود، آنها را تولید می کنند و در بازار کشورهای جهان سوم به فروش می رسانند و ادعا می کنند که کالاهای مصرفی کشورهای جهان سوم با مشارکت همه کشورها تولید شده و در اختیار آنها قرار گرفته است.

آمارهای موجود بیانگر آن است که در سال ۱۹۸۰ سهم کشورهای توسعه یافته در صادرات جهان ۶۱/۷ درصد از کل کالاهای صادر شده بود و این میزان در سال ۱۹۹۵ به ۷۶/۴ درصد رسید.

۲. انقلاب در تکنولوژی اطلاعات، حمل و نقل و ارتباطات:

یکی از موثرترین عوامل در فرآیند جهانی شدن اقتصاد به ویژه در دو دهه گذشته، پیشرفت های سریع فنی و تکنولوژی در الکترونیک و انفورماتیک و ارتباطات است. سه تحول بزرگ و مهم در دو دهه گذشته یعنی نمابر (فکس)، تلفن همراه و اینترنت، بخش تولید، تجارت و شیوه های کار و زندگی مردم را در سراسر دنیا تغییر داده و موجب کاهش هزینه خدمات و ارتباطات و حمل و نقل و نیز کاسته شدن اهمیت فاصله در فعالیت های اقتصادی و کوتاه تر شدن زمان و یکپارچگی هر چه بیشتر بازارها، مصرف کنندگان و تولید کنندگان و تحرک بیشتر منابع و مردم در درون و میان مناطقی انجامیده است. بنا بر شواهد آماری، تعداد گیرنده های اینترنت از سال ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۸ از ۴ هزار به ۴۰ میلیون رسیده بود.

۳. رشد شرکت های فراملیتی:

شرکت های چند ملیتی از پیشتازان جهانی کردن اقتصاد هستند. مدت ها قبل از آن که بحث جهانی سازی، رونق امروزی را کسب کند، فعالیت این شرکت ها جنبه فراملیتی به خود گرفت و حاکمیت ملی کشورها را با چالش های جدی روبه رو کرد. یکی از دلایل رغبت این شرکت ها به سرمایه گذاری در کشورهای جهان سوم، بالا بردن قدرت

قدرت این کشور و افزایش وابستگی جهانی به امریکا است. اما شاید بتوان گفت که در فرآیند جهانی سازی یا جهانی شدن، دو دیدگاه اساسی وجود دارد: یکی دیدگاه مثبت نگر و دیگری دیدگاه منفی نگر.

از دیدگاه مثبت نگر، جهانی سازی می تواند با استفاده از عرصه فن آوری اطلاعات (IT) همانند پلی، تمام دنیا و شهروندان آن را متحد کند و محرومیت های علمی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را از بین ببرد یا کاهش دهد، هنجارهای پسندیده دینی، اخلاقی و انسانی را بر جهان حکمفرما کند و نوعی وحدت بهینه، مثبت و متکامل بین بشریت ایجاد کند: جهانی سازی می تواند مردم دنیا را هم پیکر کند تا همانند یک اندام واره در فکر اصلاح یکدیگر برآیند و در سنگری واحد علیه همه عوامل مخمل تکامل بشری مبارزه کنند.

اما بر اساس دیدگاه منفی نگر، متأسفانه فرآیند جهانی سازی فعلی، اگر چه دارای برخی فواید از موارد پیشگفته بوده است، ولی در حقیقت، هدف اصلی آن چیزی نیست جز یکپارچه کردن جهان و ادغام آن در بازار مشترک جهانی به رهبری دنیای سرمایه داری به سردمداری آمریکا، بازاری که همه مولفه های حیات اجتماعی، از اقتصاد و سیاست گرفته تا فرهنگ، به زبان منفعت طلبی و استکبار ورزی ترجمه می شود و سلطه بی چون و چرای تمدن غرب و استیلای بیشتر کشورهای دارا علیه کشورهای فقیر را به دنبال دارد. امروز حتی برخی از اندیشمندان غربی از جهانی شدن به عنوان یک خطر و تهدید بالفعل و بالقوه در راستای آمریکایی شدن جهان نام می برند.

در هر حال، جهانی سازی از نوع غربی یک پروژه تحمیلی و یک طرح مهندسی اجتماعی در سطح کلان سیستمی است که ایدئولوژی غربی را تحمیل می کند و با تکیه بر بنیادهای نئولیبرالیستی و سرمایه داری، درصدد فراگیر کردن شیوه زندگی آمریکایی و غربی کردن انسان ها و تروج فرهنگ مصرف و اصالت دادن به سرمایه است.

**عوامل مؤثر بر جهانی سازی**

مهمترین عاملی که در روند شکل گیری و تسریع جهانی سازی نقش موثری داشته اند، عبارتند از:

در حقیقت رشد این شرکت‌ها در راستای حفظ سود و منافع شخصی آنها بوده است و دنبال کردن آن، مسائل و مشکلاتی را در کشورهای میزبان به وجود می‌آورد، اما به دلیل دسترسی این شرکت‌ها به تکنولوژی برتر و منابع مالی فراوان و متنوع و نیز داشتن شبکه بزرگ تولید و توزیع جهانی، به آنها اعتراض نمی‌شده است، زیرا نادیده گرفتن آنها به معنی چشم پوشی از بسیاری فرصت‌ها و بخش عظیمی از منابع و امکانات است. بر اساس گزارش انکتاد، در سال ۲۰۰۱ تعداد این شرکت‌ها ۶۵ هزار و تعداد شرکت‌های وابسته به آنها ۵۸۰ هزار و فروش کالا و خدمات آنها ۱۹ تریلیون دلار و تعداد شاغلان در آنها ۵۴ میلیون نفر بوده است.

۴. گسترش بازارهای مالی، پولی و سرمایه‌گذاری:

چشمگیرترین عنصر جهانی شدن در دو دهه اخیر، یکپارچگی سریع بازارهای مالی بوده است. سیستم برتون وودز، که پس از جنگ جهانی دوم ایجاد شد، برای پایه حساب‌های سرمایه‌های بسته و نرخ‌های ثابت ارز استوار بود. بنابراین، برخلاف تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی که در آن آزادسازی تدریجی آغاز شده بود، جهانی شدن مالی در آن زمان، حتی در دستور کار سیاست‌گذاری نیز قرار نداشت. جهان با نظام بازارهای مالی ملی جداگانه زندگی می‌کرد.

این وضعیت در سال ۱۹۷۳ با اضمحلال سیستم برتون وودز دگرگون شد. اما هیچ هجوم فوری به سمت آزاد سازی حساب‌های سرمایه‌ای صورت نگرفت. این کار در کشورهای صنعتی تنها در اوایل دهه ۱۹۸۰ همراه با افزایش جریان‌های سرمایه آغاز شد. از اواخر دهه ۱۹۸۰ گرایش جهانی به سمت آزاد سازی مالی وجود داشت. این گرایش اقدامات نسبتاً ساده‌ای مانند یکی شدن نرخ‌های ارز و برداشتن کنترل بر تخصیص اعتبارات در بازارهای داخلی تا آزاد سازی همه جانبه بخش مالی شامل گشایش حساب‌های سرمایه‌ای را در بر می‌گرفت.

در هر حال با رفع موانع موجود سر راه بازرگانی و برداشتن کنترل‌های تخصیص ارزی، بازارهای مالی، پولی و سرمایه‌گذاری در جهان گسترش یافت. این گسترش که مدیون فن‌آوری اطلاعات و مقررات زدایی در کشورهای پیشرفته صنعتی است، اکنون به کشورهای تازه صنعتی شده نیز گسترش می‌یابد. در سال ۱۹۹۵ مجموع سرمایه‌گذاری انواع مؤسسات مالی به جز بانک‌ها در ایالات متحده به حد ۲۰ تریلیون دلار رسیده بود که نسبت به سال ۱۹۸۰ حدود ده برابر شده بود. در سال ۱۹۹۷، اولین بار سهم ارزش اوراق بهادار در دارایی‌های خانوارهای ایالات متحده از مستغلات فراتر رفت. در



خرید شهروندان در کشور میزبان و ایجاد بازارهای مصرف است. قدرت تولیدی این شرکت‌ها و تلاش فراوان آنها برای فراهم آوردن بازار فروش، ایجاد نیازهای کاذب در مصرف‌کنندگان را از طریق رسانه‌های تبلیغاتی، سبب شده است.

انبوه فراورده‌های لوکس و غیر لوکس مصرفی از یک سو، تبلیغات بی‌وقفه رسانه‌های جمعی از دیگر سو، روز به روز کشورهای فقیر را در مصرف‌گرایی و بی‌هویتی اقتصادی و فرهنگی، بیشتر فرو می‌برد. آنچه برای شرکت‌های فراملیتی مهم است، یکسان‌سازی مقررات گمرکی در کشورهای جهان سوم است تا این شرکت‌ها، مختصر موانع قانونی ناشی از حق حاکمیت ملی کشورهای جهان سوم را هم در پیش روی نداشته باشند و هم با سرعت و سهولت به هر گونه فعالیت آشکار یا پنهان سیاسی و اقتصادی مبادرت ورزند و سیطره خود را بر منابع کشورهای جهان بیشتر کنند.

آمارهای موجود نشان می‌دهد که در سه دهه گذشته این شرکت‌ها رشد بالایی داشته‌اند و به دلایل زیر سبب انتقال سرمایه‌انباشت شده شرکت‌ها به بیرون از مرزها شده و پیشرفت‌های فنی و انفورماتیک این روند را تسهیل کرده‌اند:

الف) کاهش رشد کشورهای توسعه یافته در سال‌های ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۷ نسبت به دوره زمانی ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۳ که ناشی از رشد هزینه‌های تولید به واسطه بالا رفتن قیمت انرژی، دستمزدها و مالیات‌ها و نیز مقررات تجاری محدودکننده به ویژه در رابطه با واردات و قوانین دست و پاگیر تولید نظیر رعایت بهداشت و حفظ محیط زیست بوده است. ب- دستیابی آسان به منابع و مواد خام خارجی و نیز حضور در بازارهای آنها و تولید بر اساس ذوق و سلیقه مصرف‌کنندگان.



همین سال میزان سرمایه‌گذاری در بازار سهام این کشور به ۱/۴ برابر تولید ناخالص داخلی آن رسید. بین سال‌های ۱۹۸۳ تا ۱۹۵۵، در حالی که سالانه تولید ناخالص جهانی ۳/۴ درصد و حجم صادرات ۶ درصد رشد یافت، کل عرضه جهانی وام و اوراق قرضه به ۸/۲ درصد و مانده موجودی آنها به ۹/۸ درصد افزایش یافت. به طوری که در سال ۱۹۹۸ این مانده به ۷/۶ تریلیون دلار رسید. در بازار پول، حجم روزانه معاملات ارزی در سال ۱۹۹۸ به طور متوسط ۱/۵ تریلیون دلار (حدود ۱/۱ برابر تولید ناخالص داخلی انگلستان) بود.

همچنین میزان اعتبارات دریافتی از بازارهای سرمایه جهانی از ۳۲۱/۴ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۶ به ۱۰۵۸ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار در سال ۱۹۹۶ رسید و در همین دوره، دریافتی کشورهای در حال توسعه از ۲۳ میلیارد و ۹۰۰ میلیون دلار به ۱۱۹ میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار افزایش یافت. علاوه بر این، جریان سرمایه‌گذاری مستقیم بخش خصوصی به کشورهای در حال توسعه افزایش زیادی داشته که در سال ۱۹۹۰ حدود ۵۰ میلیارد دلار بود، در سال ۱۹۹۷ این مبلغ به ۲۵۶ میلیارد دلار رسید که این سال چین به تنهایی ۴۰ میلیارد دلار سرمایه مستقیم خارجی را جذب کرد. ۱

بازار «مشقات مالی» آخرین گشایشی است که در این زمینه صورت گرفته و بر اساس تخمین صندوق بین‌المللی پول (IMF) از سال ۱۹۸۹ سالانه ۴۰ درصد رشد داشته است و ظرفیت آن چندین برابر تولید ناخالص جهانی است. ۲

۵. فروپاشی بلوک شرق: با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، جنگ بین دو قطب قدرت پایان یافت. پایان چنین جنگ سرد سبب گسترش بازار جهانی و حرکت کشورهای روسیه، اروپای شرقی، جمهوری‌های تازه استقلال یافته و کشورهای سوسیالیستی شرق آسیا به سمت نظام بازار شد، زیرا با پایان یافتن جنگ سرد، جنگ ایدئولوژیک نیز تمام شد و جای خود را به رقابت بر سر بازار و منابع کمیاب و منافع اقتصادی داد. در این خصوص، آمریکا منابع خود را بعد از جنگ سرد به بازارهای کشورهای سوسیالیستی سابق سرازیر کرد و به همین سادگی جذب شدند.

### ویژگی‌های جهانی شدن

جهانی شدن در مفهوم خاص اقتصادی آن به صورت گسترش نظام سرمایه‌داری از نیمه دوم قرن بیستم به بعد به ویژه بعد از فروپاشی شوروی سابق و گذر بسیاری از کشورهای اروپای شرقی به نظام بازار و گذار کشورهای سابقاً کمونیستی شرق آسیا به نظام شبه بازاری و نیز گذار بسیاری از کشورهای کمتر توسعه یافته به اقتصاد

بازار ظاهر شده است و دارای ویژگی‌هایی است که اصلی‌ترین آنها عبارتند از:

### الف- رشد تجارت جهانی:

شواهد آماری نشان می‌دهد که بعد از جنگ جهانی دوم کشورها در راه آزاد سازی تجارت و گسترش آن حرکت کرده‌اند، به طوری که از سال ۱۹۵۰ تا ۱۹۹۵ نرخ رشد صادرات جهانی بیشتر از تولید جهانی بوده است و نیز به لحاظ کمی از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۹ حجم تولید جهانی از ۷۱۱۰ میلیارد دلار به ۳۱۰۰۰ میلیارد دلار رسیده است، در حالی که صادرات جهانی از ۸ میلیارد و ۱۲۴ میلیون دلار به ۶۴۷ میلیارد دلار افزایش یافته است. به عبارت دیگر، تولیدات جهانی در سال‌های ۱۹۵۰ تا ۲۰۰۰ بیش از ۵/۵ برابر رشد کرده‌اند، در حالی که صادرات جهانی حدود ۵۳ برابر افزایش داشته است.

البته توسعه تجارت در همه کشورها یکسان نبوده است. کشورهای صنعتی و گروه ۱۲ کشور در حال توسعه، بیشترین سهم را داشتند، در حالی که بیشتر کشورهای در حال توسعه گسترش تجارت چشمگیری نداشتند. در واقع، اکثر کشورهای کمتر توسعه یافته، گروهی که شامل بیشتر کشورهای آفریقایی زیر خط صحرا می‌شود، سهمشان از بازارهای جهانی به طور نسبی کاهش یافت. به رغم این واقعیت که بسیاری از این کشورها برنامه‌های آزادسازی تجارت را به مورد اجرا گذاشته بودند.

### ب- رشد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی:

از ویژگی‌های کنونی اقتصاد جهانی، رشد چشمگیر در حجم و سرعت سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی است. در اوایل دهه ۱۹۸۰، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی هم به طور مطلق و هم به عنوان درصدی

از تولید ناخالص داخلی افزایش یافت.

از سال ۱۹۸۰ فضای سیاستگذاری در سراسر جهان بسیار بیش از گذشته به رشد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی منتهی شده است. در دهه ۱۹۹۰، شمار کشورهایی که برنامه‌آزادسازی گسترده را در زمینه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اتخاذ کرده بودند، پیوسته افزایش یافت. براساس آمار موجود، حجم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به طور متوسط طی دو دوره زمانی ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۰ و ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۶ از ۹۳ میلیارد و ۱۴۱ میلیون دلار به ۹۵ میلیارد و ۲۴۲ میلیون دلار رسیده که ۸۲ درصد آن در دوره ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۰ در کشورهای توسعه یافته و ۱۸ درصد در کشورهای کمتر توسعه یافته اتفاق افتاده است. این درصدها در دوره ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۶ به ۶۴ و ۳۶ درصد رسیده است.

جدا از افزایش این سرمایه‌گذاری‌ها، ماهیت آن نیز تغییر یافته است. تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات (ICT) همراه با کاهش هزینه‌های حمل و نقل، رشد تولید شرکت‌های چند ملیتی در زمینه کالاها و خدمات را هم به لحاظ فنی و هم به لحاظ اقتصادی امکان پذیر کرده است. بخش‌های مختلف تولید را می‌توان تکه تکه کرد و به منظور بهره‌برداری از مزایای اقتصادی ناشی از تفاوت قیمت‌ها، فراهم بودن عوامل تولید و سازگاری فضای سرمایه‌گذاری، آنها را در نقاط مختلف جهان مستقر ساخت. اجزا و قطعات را می‌توان به راحتی به سراسر جهان انتقال داد و در آنجا آنها را به دلخواه سرهم کرد. انقلاب ارتباطات همکاری و کنترل این نظام‌های تولیدی پراکنده را امکان پذیر کرده است.

### ج- جریان‌های مالی و پولی و سرمایه:

از ویژگی‌های دیگر اقتصاد کنونی جهان، رشد تجارت پول و سرمایه ناشی از افزایش چشمگیر حضور بانک‌ها و شرکت‌های فراملیتی در بازارهای داخلی و خارجی است که به طور عمده در شهرهای بزرگی نظیر نیویورک، لندن، پاریس، توکیو و سایر مراکز کشورهای توسعه یافته که توان جذب سرمایه‌های بین‌المللی، مدیریت مالی و مراکز بانکی را داشته‌اند، صورت گرفته است.

### د- جریان آزاد خدمات تولیدی:

رشد و دگرگونی خدمات تولیدی، یکی دیگر از ویژگی‌های اقتصاد جهانی است. صادرات مهارت‌های مدیریتی، اطلاعات و تکنیک‌های سازمانی از مهمترین نوع تجارت بدون مرز به شمار می‌آیند که به طور عمده از سوی سرمایه‌گذاران خارجی در خدمات صورت می‌گیرد. رشد خدماتی نظیر حسابداری، انتشاراتی، محاسبه‌گرها، مهندسی مالی و حقوقی، نقش اساسی در گسترش و هدایت خدمات تولیدی داشته‌اند. بنابر شواهد آماری، سهم خدمات تولیدی در تولید ناخالص داخلی در کشورهای توسعه یافته در چند دهه گذشته رشد بالایی داشته و بیشترین تغییرات به ترتیب در کشورهای آلمان، ایتالیا، ژاپن و فرانسه صورت گرفته است.

### ه- توسعه صنعت گردشگری:

گسترش ارتباطات و وسایل ارتباطی امن و سریع نظیر هواپیما، کشتی‌های بزرگ مسافری و قطارهای سریع السیر و آشنایی ملت‌ها از همدیگر، انگیزه سیر و سیاحت را به وجود آورده است. چنانکه آمارها نشان می‌دهند درآمد دنیا از محل خدمات گردشگری در سال ۱۹۹۶، حدود ۴۲۵ میلیارد دلار بوده است.

### پیامدهای جهانی شدن

#### ۱. جهانی شدن، فقر و نابرابری

یکی از مهمترین محورهای مورد بحث درباره جهانی شدن، بحث فقر و نابرابری است که موافقان و مخالفان جهانی‌سازی هر یک استدلال‌های خود را درباره این موضوع بیان داشته‌اند.

موافقان جهانی شدن معتقدند تنها راه برون رفت کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه از دایره بسته فقر و نابرابری، پیوستن به جریان ادغام جهانی و سود بردن از منافع تجارت جهانی و رشد درآمد است. به عقیده این گروه، این کشورها می‌توانند درآمد خود را با پیوستن به این جریان افزایش و فقر را کاهش دهند. این گروه، کشورهای جنوب شرقی آسیا را به عنوان نمونه‌های موفق مثال می‌زنند. از نظر آنان در دهه‌های آخر قرن بیستم در اثر جهانی شدن به طور نسبی در

موافقان جهانی شدن معتقدند تنها راه برون رفت کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه از دایره بسته فقر و نابرابری، پیوستن به جریان ادغام جهانی و سود بردن از منافع تجارت جهانی و رشد درآمد است





و لوکس بیشتری می‌شود، چرا که ثروتمندان به مصرف کالاهای وارداتی گرانقیمت‌تر گرایش دارند و این وضعیت تعادل پرداختی یک کشور را بدتر می‌کند.

## ۲. جهانی شدن و اشتغال:

آمارها و شواهد موجود نشان می‌دهد که جهانی سازی و جهانی شدن تأثیر مثبتی در وضعیت اشتغال نداشته است. تازه ترین برآوردهای سازمان بین‌المللی کار نشان می‌دهد که در سراسر جهان بیکاری آشکار در دهه‌های اخیر به ویژه در سال ۲۰۰۳ به حدود ۱۸۸ میلیون مورد افزایش یافته است. این پدیده بیشتر در کشورهای آمریکای لاتین، حوزه کارائیب و آسیای جنوب شرقی و کشورهای آفریقایی به چشم می‌خورد.

در کشورهای صنعتی نیز وضعیت اشتغال متفاوت بوده است. در دهه گذشته بیکاری در ژاپن به طور مستمر افزایش یافته، اما در برخی اقتصادهای باز کشورهای کوچک اروپایی و انگلستان بیکاری بسیار کاهش یافته است.

شکوفایی فن آوری اطلاعات با استفاده از دستگاه‌های میکرو الکترونیک در تولید رایانه‌های شبکه‌ای در بخش خدمات، شکل‌های جدیدی از تقسیم کار اجتماعی و فنی را به صحنه آورد. این تقسیم کار با ظهور بنگاه‌های شبکه‌ای، از حوزه درون بنگاه‌ها به کل فرآیند تولید کالا و خدمات گسترش یافت و در نتیجه وضعیت اشتغال را تحت تأثیر قرار داد.

موضوع دیگر این که استفاده از آدمک‌های مصنوعی (روبات‌ها) در صنعت و خدمات، تأثیر این فن آوری را بر خلق فرصت‌های جدید شغلی نشان داده است.

آمد سرانه در میان کشورها افزایش یافته است. این گروه معتقدند که هر چه درآمد سرانه افزایش یابد، کشورها از رشد بهتری برخوردار خواهند بود، و رشد بر کاهش فقر موثر است، زیرا به این معناست که آهنگ خروجی کالا و خدمات در جامعه افزایش یافته است. پیوستن به جریان آزاد تجاری و ادغام اقتصادی باعث می‌شود کشورهای فقیر با تولید کالا و خدمات و عرضه آنها به بازارهای جهانی، از درآمد بالاتری برخوردار شوند. بالا رفتن درآمد سرانه در کشورهای فقیر به منزله رشد بیشتر است که این رشد سرانجام فقر را کاهش می‌دهد. اما مخالفان جهانی شدن معتقدند که در دو دهه گذشته نابرابری بین کشورهای ثروتمند و فقیر بیشتر شده است.

«جیوانی آندریا کرینا» مدیر مؤسسه بین‌المللی تحقیقات توسعه دانشگاه سازمان متحد که از مخالفان جهانی شدن است، معتقد است: در طول ۲۰ سال گذشته تغییرات توزیع درآمد در اقتصاد جهان دو روند کلی را نشان می‌دهد. اول آن که نابرابری در توزیع درآمد میان کشورهای فقیر و ثروتمند بیشتر شده است. روند دیگر مربوط به افزایش نابرابری در درون کشور است. نابرابری در ۷۷ کشور دنیا که ۹۰ درصد جمعیت و نیز ۹۰ درصد تولید اقتصاد جهانی به آنها تعلق دارد، افزایش یافته است.

در کشورهای تازه استقلال یافته، آمریکای لاتین و برخی از کشورهای آفریقایی، افزایش نابرابری به افزایش فقر یا کاهش رشد اقتصادی یا بدتر شدن هر دو آنها انجامیده است. ۳ در سطح داخلی نیز نابرابری بیش از حد، برای رشد محدود کننده است و بر کاهش فقر اثر می‌گذارد. نابرابری بالا پیشرفت در آموزش را کم می‌کند، نابرابری در درآمد بالا موجب واردات کالاهای تشریفاتی



یکی از پیامدهای جهانی شدن، رشد شدید فعالیت های غیرقانونی بین المللی بوده است که افزایش فرار از مالیات و ظهور گروه های جنایتکار چندملیتی را که در پول شویی، قاچاق انسان و تجارت زنان و مواد مخدر فعالیت دارند، شامل می شود



آموزش و مهارت ها که تقاضا برای آنها در حال افزایش است، برخوردارند، همگی از جهانی شدن نفع برده اند.

#### ۵. جهانی شدن و فعالیت های غیر قانونی:

یکی دیگر از پیامدهای جهانی شدن، رشد شدید فعالیت های غیرقانونی بین المللی بوده است که افزایش فرار از مالیات و ظهور گروه های جنایتکار چند ملیتی را که در پول شویی، قاچاق انسان و تجارت زنان و مواد مخدر فعالیت دارند، شامل می شود. همان عواملی که رشد معاملات اقتصادی بین المللی مشروع را تسهیل کرده، زمینه را برای فعالیت غیر قانونی بین المللی نیز فراهم کرده است. انقلاب تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات، هماهنگی بین المللی فعالیت های غیر قانونی را آسانتر کرده است. در حالی که آزاد سازی مالی جهانی فرار مالیاتی و پول شویی را تسهیل کرده است. به همین ترتیب، کاهش شدید هزینه های حمل و نقل و رشد گردشگری در سطح کلان، قاچاق انسان و مواد مخدر را کم هزینه تر و شناسایی این فعالیت ها را دشوارتر کرده است.

همچنین دو عامل دیگر، این تسهیل ناخواسته جرایم بین المللی را تقویت کرده است: عامل اول، افزایش منافع اقتصادی جرایم بین المللی از طریق گسترش فرصت های سودآور برای واسطه گری در بازارها (برای مثال ظهور مراکز مالی و پناهگاه های مالیاتی در خارج از کشور و نابرابری فزاینده درآمد کشورهای فقیر و ثروتمند به موازات کنترل های سختگیرانه)

عامل دوم، توسعه آهسته تمهیدات چند جانبه برای کشف و سرکوب این فعالیت های بین المللی غیر قانونی است که ریسک ها را کاهش می دهد. این فعالیت ها در چنین شرایط مطلوبی شکوفا شده است.

#### نظام مالی جهان و جهانی سازی

امروزه بازار مالی جهانی بیش از هر بازار دیگری، زیر سلطه سنگین صاحبان منابع مالی در کشورهای صنعتی قرار دارد. دولت های این کشورها بالاخص قویترین کشورها به لحاظ اقتصادی، قوانین حاکم بر بازار را از رهگذر نفوذ خود در موسسات اعتباری بین المللی تعیین

شواهد موجود نشان می دهد که در آمریکا و ایتالیا که بنگاه ها بیشتر به دنبال کاهش هزینه نیروی کار بودند، کارگران زیادی شغل خود را از دست دادند.

#### ۳. جهانی سازی و سرمایه گذاری مستقیم خارجی:

صاحب نظران معتقدند، به طور کلی سرمایه گذاری مستقیم خارجی در صورتی باعث رشد و توسعه کشورها می شود، که اهداف انسان دوستانه و مردمی داشته باشد، کمتر به اهداف سود جویانه و ملاحظه گرایانه اندیشیده شود و تأثیر مثبتی بر اشتغال و تولید و عمران و آبادانی داشته باشد. اما شواهد تجربی و عینی نتایج متفاوتی را نشان می دهد. در حالی که در کشورهایی مانند سنگاپور، سرمایه گذاری مستقیم خارجی تأثیر مثبتی در ساختار اقتصادی این کشور داشته است، در تمام کشورها وضع به این گونه نبوده است.

#### ۴. جهانی شدن و زندگی مردم:

جهانی شدن متضمن تغییرات در ساختار اقتصادی، قیمت های نسبی و امکانات و الگوهای مصرف است که به سهم خود بر شغل، معیشت و درآمد مردم تأثیر می گذارند. برخی مردم از فرآیند جهانی شدن زیان دیده اند و برخی دیگر از این فرآیند نفع برده اند، چرا که منافع اقتصادی و هزینه های اجتماعی جهانی شدن به طور برابر میان گروه های مختلف مردم توزیع نشده است. در بسیاری از کشورها آزاد سازی تجارت و انتقال محل تولید به کشورهایی که سطح دستمزدها در آنها پایین است، تأثیر ناگواری بر برخی گروه های کارگری گذاشته است، برخی از کارگران ماهر و متخصص نیز تحت تأثیر تحولاتی مانند تأمین نرم افزار از خارج، افزایش تجارت در زمینه خدمات حرفه ای و افزایش مهاجرت متخصصان ماهر از کشورهای در حال توسعه قرار گرفته اند.

از جمله کسانی که بیشترین نفع را از جهانی شدن برده اند، آنهایی هستند که با شرکت های چند ملیتی موفق و شرکت های ملی قادر به رقابت در عرصه های بین المللی ارتباط داشته اند. به عبارت دیگر، کسانی که از موهبت سرمایه و دیگر دارایی ها، توانایی کارآفرینی و

می‌کنند. این مؤسسات نیز فشار زیادی بر سیاست‌های مالی کلان اقتصادی کشورهای در حال توسعه وارد می‌کنند. در عین حال بانک‌ها و مؤسسات اعتباری همین کشورها از قدرت بسیار زیادی در بازارهای نظام مالی جهانی برخوردارند. مشخصه این نظام همچنین شکست‌های سنگین در بازار و ناپایداری آن است. ما حاصل همه اینها این است که بار اکثر مخاطرات و پیامدهای منفی بی‌ثباتی مالی بر دوش کشورهای دارای درآمد متوسط می‌افتد که در حال حاضر ضعیف‌ترین بازیگران در درون این نظام به شمار می‌روند.

در آستانه قرن بیست و یکم میلادی، تعداد ۱۰ بانک بزرگ جهانی شامل دوپچه بانک آلمان، بانک آمریکا، کردیت سوئیس، میتسویشی و ۶ بانک آمریکایی و اروپایی دارای سرمایه‌ای بالغ بر ۵۶۰ میلیارد دلار بودند. درآمد آنها ۸۶۵ میلیارد دلار و سودشان ۳۶ میلیارد دلار بود. در سال ۲۰۰۱ این سرمایه‌ها به ۶۱۰۰ میلیارد دلار رسید.

شواهد دیگری حاکی است که در میان ۵۰۰ شرکت و مؤسسه اقتصادی بزرگ جهان معمولاً ۶۰ تا ۷۰ بانک نیز حضور دارند که این ده بانک با تغییراتی در میان رده‌های بالای آن جای گرفته‌اند. ۴ این در حالی است که بدهی کشورهای کم توسعه بیش از دو هزار میلیارد دلار بر آورد شده است. روند جهانی سازی در عرصه نظام مالی، بحران بدهی‌ها، سیطره استکبار بر بخش‌های زیادی از کشورهای جهان و غارت منابع، این روند را تشدید کرده است.

به عقیده مخالفان جهانی سازی، به جز آن ده بانک و در میان آن ۶۰ تا ۷۰ واحد، بانک‌های عربی و چند بانک کشورهای نیمه پیرامونی جای دارند که به شعار «راهبرد فراگیر» به منظور شکوفایی در دنیای بدون مرز می‌اندیشند، اما در عمل از طریق مؤسساتی مثل مؤسسه انگلیسی یورومانی (Euro Money) کاری جز تسهیل بهره‌کشی ملت‌های گرفتار شده در چنبره جهانی سازی ندارند.

### کلام آخر

به باور بسیاری، به ویژه مخالفان جهانی سازی، جهانی سازی در اساس خود مستلزم غربی شدن جهان و پوششی برای سلطه نظام سرمایه داری بر جهان است.

امروزه اگر چه جهانی سازی برای جهانیان جز افزایش جنگ، فقر و نابرابری چیزی به بار نیاورده است و برای غربی‌ها، نتیجه‌ای جز افزایش قدرت، ثروت و شکاف بیشتر کشورهای فقیر و غنی در بر نداشته است. امروزه جهانیان شاهد چپاول بیشتر و سلطه‌گری‌های روز افزون سلطه‌گران در جهان هستند و هر از گاهی شاهد تظاهرات ملت‌ها علیه زیاده‌خواهی‌های سلطه‌گران هستیم و این روند، جهانی

سازی را با چالش‌های جدی روبه‌رو کرده است. آمارهای موجود نشان دهنده این واقعیت است که پنج غول اقتصادی یعنی آمریکا، ژاپن، فرانسه، انگلیس و آلمان از مجموع ۲۰۰ کارتل و تراست بزرگ جهان، ۱۷۰ مورد آنها را در اختیار خود دارند و جهان زیر سیطره این ۱۷۰ شرکت فراملیتی است.

نتایج تحقیقات بروگنر (Brogner) نشان می‌دهد که مراکز عمده اقتصاد جهانی در سه منطقه آمریکای شمالی، اروپا و شرق و جنوب شرقی آسیا قرار دارند و فرآیند جهانی شدن اقتصاد بیشتر به نفع این سه منطقه است. بنابراین، بسیاری از کشورهای کمتر توسعه یافته آسیایی و آفریقایی و آمریکایی که دارای بازارهای پولی و مالی کارآمد، ساختار اقتصادی توسعه یافته و سرمایه‌های انسانی کافی نیستند، از فرآیند جهانی شدن اقتصاد بهره زیادی نخواهند بود و در حقیقت فرآیند جهانی شدن اقتصاد به نفع کشورهای قوی تمام می‌شود، زیرا جریان سرمایه به سوی این کشورها نبوده و از طرف دیگر، پیشرفت‌های سریع فنی و بیوتکنولوژیکی از اهمیت منابع و مواد اولیه کشورهای کمتر توسعه یافته کاسته است. بسیاری از مخالفان جهانی شدن اقتصاد (به شیوه آمریکایی) معتقدند که تبلیغ فرهنگ و ارزش‌های مادی مطلوب نظام سرمایه داری سبب کم رنگ شدن ارزش‌های انسانی و معنوی و رشد خشونت و جنایت می‌شود و استقلال عمل و خط مشی‌های اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی در سطح ملی کشورها را کاهش می‌دهد و فشار رقابت اقتصادی می‌تواند به نابودی محیط زیست بینجامد. قاعدتاً این موارد در کشورهای کمتر توسعه یافته نمود بیشتر می‌یابند.

(منابع در دفتر فصلنامه ضبط است)

### پی‌نوشت:

1. and society survey ۱۹۹۷/United Nations . world Economie
2. Castlides . M . ۱۹۸۹ . city Blackwell . ۱۹۹۵ . The infor mational
3. جهانی شدن و نابرابری ، مصاحبه احمد میدری با پروفسور کرینا- ۱۳۷۹ - دوران امروز
4. رئیس دانا- دفریبرز- بررسی‌های کاربردی توسعه- ح سوم- نشر چشمه ۱۳۸۰